

## مؤلفه‌های تربیت شهروندی از منظر قرآن و سنت\*

□ مسعود اخگر<sup>۱</sup>

□ معصومه خلیلی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف این نوشتار، بازشناسی و بررسی مؤلفه‌های تربیت شهروندی از منظر قرآن کریم و اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده است. در این راستا با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با روش کتابخانه‌ای و اسنادی، به اجمال پس از بازبینی منابع، مؤلفه‌های تربیت شهروندی از دیدگاه قرآن کریم و اهل‌بیت علیهم‌السلام توصیف و احصاء شده است. مؤلفه‌های تربیت شهروندی مطابق با دیدگاه قرآن کریم و اهل‌بیت علیهم‌السلام و در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری به شرح زیر است. بعد شناختی شامل دانایی محوری، برابری، آزادی بیان و اندیشه، تفکر انتقادی، حقوق بشر، شور و مشورت؛ بعد عاطفی شامل احساس تعهد، وطن‌دوستی، نوع‌دوستی، مسئولیت‌پذیری، عزت و اعتماد به نفس و حسن ظن؛ بعد رفتاری شامل اطاعت از قانون، مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، تحمل و سعه صدر، امانت‌داری، احترام و حفظ کرامت انسانی می‌باشد، که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تربیت شهروندی، بعد شناختی، بعد عاطفی، بعد رفتاری.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۳۰.

1. کارشناس پیوسته رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان اصفهان

2. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان [tch1700@isfedu.ir](mailto:tch1700@isfedu.ir)

تربیت شهروندی<sup>۱</sup> مقوله‌ای است که در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از مجامع علمی و پژوهشی در جهان قرار گرفته است و به یکی از پربارترین عرصه‌های پژوهشی در نظام‌های تعلیم و تربیت تبدیل شده است (یارمحمدیان و دیگران، ۱۳۸۷). مهم‌ترین دغدغه عصر حاضر، مسأله آموزش و تربیت شهروندانی مؤثر و فعال در عرصه‌های مختلف زندگی است و با توجه به این که مفهوم و ماهیت شهروندی دارای ابعاد متفاوت است، نهادهای متعددی در تلاشند تا در تربیت شهروند مورد نیاز خود، به ایفای نقش پردازند. هر چند به نظر می‌رسد که دو نهاد خانواده و آموزش و پرورش با بهره‌گیری از تمام امکانات و پتانسیل‌های خود در صدد تحقق بخشیدن به آرمان تربیت شهروند مطلوب هستند. بی‌گمان انجام اقدامات مؤثر در یک حوزه تربیتی نیازمند داشتن اطلاعات و دانش گسترده در آن حوزه است، که به طور معمول از طریق پژوهش‌های بنیادی و کاربردی می‌توان به بسط دانش در آن حوزه اقدام نمود. تربیت شهروندی را می‌توان شبکه‌ای از فرایندهای به هم مرتبط دانست که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به پرورش اعضای جامعه می‌پردازد و هدف این تربیت، حفظ روحیه مردم‌سالاری است (علم‌الهدی، ۱۳۷۹). طی سال‌های اخیر، نظام‌های آموزشی در گوشه و کنار جهان، توجه زیادی به آموزش شهروندی نشان داده‌اند و اقدامات اصلاحی زیادی را در این باب انجام داده‌اند. این اقدامات شامل ارائه موضوعات درسی جدید، از جمله آموزش مدنی، آموزش دموکراتیک، آموزش ملی و آموزش سیاسی، همچنین انجام اصلاحات در برنامه‌های درسی موجود می‌باشد (جانسون و موریس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). تعلیم و تربیت شهروندی مفهومی چالش برانگیز است که با ایدئولوژی‌های مختلف و انتظارات تجویزی همراه است. لذا، با اصطلاح‌های دیگر مانند تربیت سیاسی، تربیت اخلاقی و تعلیم و تربیت مدنی، تعلیم و تربیت ملی گرایانه، تربیت اجتماعی و سواد سیاسی به کاربرده می‌شود

(ژیرو، ۳، ۱۹۸۳). تربیت شهروندی نگاه ویژه‌ای به یادگیری دانش، توانایی و نگرش‌هایی دارد که فرد را در تعامل مؤثر و مطلوب با افراد دیگر و دولت یاری می‌رساند (قلتاش و دیگران ۱۳۸۹). در حوزه نظری پیرامون مؤلفه‌های تربیت شهروندی، عناصر تربیت شهروندی، ویژگی‌های شهروند خوب برای یک جامعه توافق چندانی بین متخصصان وجود ندارد. اگرچه تحقیقات انجام گرفته در سایر کشورها به خصوص کشورهای توسعه‌یافته مانند آمریکا، انگلیس، کانادا به رفع ابهام‌ها در این حوزه کمک نموده است، اما از آنجا که تربیت شهروندی با ایده‌آل‌ها و جهان‌بینی ملت‌ها آمیخته است، بحث و بررسی آن، به ویژه در کشور ما یک ضرورت به نظر می‌رسد (قلتاش، ۱۳۸۸). با جدی شدن روند جهانی شدن در دو دهه اخیر، مسأله شهروندی به مهم‌ترین مسأله اجتماعی معاصر تبدیل شده است. اساس جامعه مدنی بر محور نهادهای اجتماعی نظام شهروندی شکل گرفته است. از این رو شالوده اصلی جامعه مدنی به مثابه نظام سیاسی و اجتماعی را نهادهای شهروندی مثل نهاد قانون‌گذاری، نظام حاکمیت سیاسی مردم بر مردم در قالب نظام‌های دموکراسی می‌سازد و زندگی در جامعه مدنی نیز مستلزم یادگیری و آموختن اخلاق مدنی و آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی است، تا ضمن تأمین نیازهای مختلف افراد به گونه‌ای پایدار، روابط اجتماعی پایدار را نیز موجب شود (تویاس، ۴، ۱۹۹۷). اما مفهوم شهروندی تا حد زیادی به شرایط کشور خاص و جامعه ویژه وابسته می‌باشد و هر فرهنگی نیز شهروند ویژه خود را می‌طلبد. جامعه مدنی و مبتنی بر شهروندی ملی برای یک کشور به معنای استقلال اقتصادی، برای کشور دیگر به معنای استقلال سیاسی اجتماعی یا دارا بودن حق آزادی بیان است. البته با کمی اغماض و نادیده گرفتن تمایزات در یک برداشت عمومی می‌توان گفت؛ شهروندی مقوله‌ای است مرتبط با نحوه عملکرد افراد به گونه‌ای که آنها قادر باشند در جامعه‌ای مردم‌سالار، محیط خود و محیط اجتماعی افراد دیگر را به شیوه‌ای مثبت و برجسته متأثر سازند (فاربز،

(۲۰۰۷). در واقع تربیت شهروندی تدارک فرصت‌های کسب دانش و آگاهی، اتخاذ نگرش و تقویت توان‌مندی‌هایی است که فرد را در تعامل مؤثر با دیگر افراد جامعه در جهت مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی یاری می‌رساند (یارمحمدیان و دیگران، ۲۰۰۸). همچنین تربیت شهروندی یک مفهوم متکثر و چندوجهی است که ابعاد مختلفی همچون مسؤلیت‌پذیری، وحدت، تفاهم ملی، بردباری، قانون‌گرایی، درک و فهم اجتماعی، مشارکت سیاسی و اجتماعی، صلح‌جویی، وفاق و همدلی، درک و فهم سیاسی، مهارت زندگی و برابری و تنوع را شامل می‌شود (فتحی واجارگاه و دیگران، ۱۳۸۸). تربیت شهروندی را می‌توان آماده کردن جوانان برای حیات سیاسی و همچنین تربیت افراد جامعه دانست، به نحوی که بتواند در شکل‌گیری یا برقراری توازن میان اقتدار و مسؤلیت دولت‌ها در جامعه نقش بازی کند (باقری، ۱۳۷۹). شهروندی زائیده زیستن در دنیای معاصر است. شهروندی با تأکیداتی تازه در تلاش است با ایجاد تفاهم در زندگی اجتماعی، راه پیشرفت و ارتقاء جامعه را هموار سازد. شهروندی، طرح سؤالاتی است در ارتباط با ماهیت جامعه، عدالت، مراقبت، مسؤلیت، دولت، آزادی، تعاملات اجتماعی، احترام و به ویژه ارزش‌ها، که علاوه بر نوع ارتباط هر فرد با چنین موضوعاتی، نوع واکنش افراد را نیز شامل می‌شود (کمبس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱). شهروند با حقوق انسانی در زندگی اجتماعی پیوند خورده است (پارکر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰). شهروندی وظایف و مسؤلیت‌ها را در بین افراد جامعه توزیع می‌کند و در نهایت امکان مشارکت افراد در فعل و انفعالات اجتماعی را فراهم می‌سازد (مک دونالد<sup>۸</sup>، ۱۹۹۹). صاحب‌نظران با توجه به نوع نگاه خود مؤلفه‌های مختلفی را برای شهروندی در نظر می‌گیرند.

مینکلر<sup>۹</sup> (۱۹۹۸): احساس تعهد، احساس برابری، کنجکاو و ترقی‌طلبی، اطاعت از قانون، توجه به نفع عمومی، مشارکت را از جمله مؤلفه‌های اساسی شهروندی می‌داند؛

توماس اس دی<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۴): مشارکت، تعاون، همکاری و دانایی محوری؛  
 لیو<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۴): آراستگی شخصی، دانش محوری محلی - ملی و جهانی،  
 سخت کوشی، وطن دوستی، تبعیت از قانون، نوع دوستی، مشارکت؛  
 فالکس<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۱): مسؤولیت پذیری، بسط ارتباطات انسانی، کل نگر، احترام  
 به اصول اخلاقی؛

سامرز<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۰): تفکر انتقادی، توجه به نفع عمومی، مشارکت در زمینه‌های  
 سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، درک نیازها و نگرش‌های دیگران، رفتار  
 متعهدانه را مد نظر قرار می‌دهند.

اندیشه‌ورزی و ژرف‌اندیشی، سعه صدر و تحمل اندیشه‌های مخالف،  
 قانون‌گرایی و قانون‌پذیری، احساس خود ارزش‌مندی، عزت و اعتماد به نفس،  
 تمایل به رقابت سازنده، عدم تمکین به روابط مبتنی بر قدرت مستبدانه، تقویت  
 روحیه پرسش‌گری و کنجکاوی، تمایل به تفکر خلاق و واگرا در حل مسائل  
 مبتلا به محیط پیرامون، توانایی و جرأت در ابراز اندیشه از جمله ویژگی‌هایی  
 است که مفهوم شهروندی بر آنها مبتنی هستند (مهرمحمدی، ۱۳۸۸). با توجه به  
 اهمیت شهروندی در دوران معاصر، متفکران متعددی به بحث و بررسی پیرامون  
 مفهوم شهروندی پرداخته‌اند. شهروندی، عبارت است از، روش زیستن در یک  
 شهر بر طبق اصول و قواعد و قوانین خاص. شهروندی این ضرورت را ایجاب  
 کرده است که باید با دید دیگری به انسان، جامعه و جهان‌نگریست و جهت  
 تبدیل دارایی‌های انسانی به سرمایه، مداخله‌های اصولی نمود و دگرگونی‌هایی  
 در اندیشه و باور شهروندان ایجاد نمود. در جهان امروز آموزش مهارت‌های  
 زندگی اجتماعی، آشنایی با حقوق و وظایف شهروندی، تربیت شهروند برای  
 زندگی در جامعه جهانی از جمله نیازهای آموزشی است که توجه ویژه‌ای را  
 می‌طلبد (شاه طالبی و دیگران، ۲۰۱۲). امروزه متولیان تعلیم و تربیت جوامع  
 برآنند تا از طریق تربیت شهروندی، دانش و مهارت ایفای نقش مؤثر در جامعه

محلی، ملی و حتی جهانی را به دانش‌آموزان پیام‌زنند تا آنها ضمن اطلاع از حقوق متقابل خود و جامعه، شهروندانی مسئولیت‌پذیر و متفکر باشند (لاوتون، کی رنز و گاردنر<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۰). شهروندی طرح سؤالاتی در ارتباط با ماهیت جامعه، عدالت، مراقبت، مسئولیت، دولت، آزادی، تعاملات اجتماعی، احترام و به ویژه ارزش‌هاست، که علاوه بر نوع ارتباط هر فرد با چنین موضوعاتی، نوع واکنش افراد را نیز شامل می‌شود (کمبس، ۲۰۰۱). اما تربیت مدنی اسلامی، تربیتی است که در راستای رسیدن به سعادت و کمال مادی و معنوی و تحقق جامعه توحیدی، به پرورش افراد جامعه می‌پردازد. نگاهی گذرا به فرهنگ غنی اسلام نشان می‌دهد که جوامع اسلامی از حیث نظری و عملی، قابلیت ایجاد جامعه مدنی مبتنی بر تعالیم تربیتی اسلامی را دارد. دین اسلام به ابعاد مختلف حیات اجتماعی و روابط انسان‌ها توجه فراوان داشته، آموزه‌های متعددی برای بهبود الگوی زندگی در جامعه اسلامی ارائه کرده است. با نگاهی اجمالی به ساختار تعلیم و تربیت کشور می‌توان گفت، در جامعه ایران، به طور اعم، و در نظام تعلیم و تربیت به طور اخص، آن طور که شایسته است مبحث تربیت شهروندی با رویکرد اسلامی، از دید متولیان تعلیم و تربیت مورد توجه قرار نگرفته است. در برهه حساس کنونی، که تعالیم اسلامی مبنای فکری، مدیریتی و تربیتی جامعه ایران را تشکیل می‌دهد، زمان آن فرارسیده که آموزه‌های اسلامی نقش پررنگ‌تری در مبانی تربیت اجتماعی جامعه، به ویژه زیرشاخه‌های مهم آن، یعنی تربیت شهروندی داشته باشند. شایسته است که متولیان امر تعلیم و تربیت، با بررسی ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروندی بر پایه آموزه‌های اسلامی به تربیت افراد متناسب با این نوع جامعه بپردازند. همان طور که گفته شد در راستای تربیت شهروندی براساس آموزه‌های اسلامی، تحقیقات جامع و زیادی صورت نگرفته است، اما در زمینه ویژگی‌ها و خصیصه‌های مورد نیاز شهروند مطالعات متعددی انجام شده است. سیرز و وون<sup>۱۵</sup>، (۲۰۰۵)، در پژوهشی ویژگی‌های ذیل

را برای شهروند مطلوب خاطر نشان کرده‌اند:

۱. توانایی مذاکره و مشارکت با دیگران، احترام به تفاوت‌ها و تضادها، گوش دادن سازنده به دیگران، توانایی به دست آوردن داده‌ها و بیان ایده‌ها؛
۲. اطمینان و جرأت برای فراکشی عمل کردن، داشتن باورهای مستقل، مسؤولیت‌پذیری و استقلال؛
۳. دانش دربارهٔ چگونگی سازمان یافتن جامعه، شیوهٔ عملکرد دولت ملی و محلی، آگاهی از باورها و دیدگاه‌های اساسی احزاب سیاسی عمدهٔ کشور و ایدئولوژی و فلسفهٔ سیاسی.

در بررسی تربیت شهروندی پیشرفت‌گرا، که یکی از رویکردهای تربیت شهروندی است به این نتیجه رسیدند که در این زمینه توجه کافی و شایسته به مؤلفه‌های تربیت شهروند، که باید توسط معلمان و محتوای آموزشی ارائه شود، نشده است. در پژوهشی دیگر، عیوضی و دیگران (۱۳۸۷)، رؤوس محتوای برنامهٔ درسی تربیت شهروند بومی در عصر جهانی شدن، از دید اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های شهر تهران را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که از دید اعضای هیأت علمی، عمده‌ترین مشخصه‌های عصر جهانی شدن عبارتند از تخریب هویت ملی شهروند بومی، به مخاطره افتادن هویت ملی، ارزش‌های دینی، شیوع آموزش‌های غیربومی، تهدید هنجارها و باورهای بومی، فقدان نظام ثابت اقتصادی، استیلای هویت اجتماعی بین‌المللی و... که در برنامهٔ درسی آموزش عالی به گونهٔ اساسی به آنها پرداخته نشده است. در پژوهشی دیگر، ولی‌پور (۱۳۸۶) میزان دانش و مهارت شهروندی را در دانشجویان مورد مطالعه قرار داده است. نتایج این پژوهش بیان‌گر آن است که میانگین دانش و مهارت شهروندی دانشجویان، پایین‌تر از حد متوسط است. از سوی دیگر، نظرات اساتید در این پژوهش، بیان‌گر آن است که آموزش عالی در پرورش ابعاد تربیت شهروندی چندان موفق نبوده است. در پژوهش آشتیانی و دیگران (۱۳۸۵)، که با

هدف ارزیابی و اولویت‌بندی مهارت‌های شهروندی مورد نیاز برای تدریس آنها در مقطع دبستان انجام پذیرفت، به ترتیب، متغیرهای مردم‌سالاری، مشارکت سیاسی، انجمن‌های محلی، هنجارهای اجتماعی و مؤلفه‌های اقتصادی، بیشترین حد امتیاز را به خود اختصاص دادند که پیشنهاد شده تا طراحی برنامه‌ی درسی بیش از همه بر این اولویت‌ها متمرکز شود. با توجه به تحقیقات پیش‌گفته، که مؤید تلاش محققان در زمینه‌ی تربیت شهروندی است، این خلأ آشکار می‌شود که تلاش‌های صورت گرفته در حیطه‌ی تربیت شهروندی به آموزه‌های اسلامی توجه نداشته و فقط در برخی از تحقیقات، بررسی‌هایی به صورت اجمالی بر روی مبانی تربیت شهروندی انجام شده است. از این رو با توجه به اهمیت مسأله و لزوم توجه به تربیت شهروندان با توجه به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، هدف از این مطالعه، معرفی تعدادی از مؤلفه‌های تربیت شهروندی مطابق با دیدگاه قرآن کریم و اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌باشد، تا با دستیابی به نتایج تحقیق، بتوان گام کوچکی در نهادینه کردن تربیت شهروندان با توجه به آموزه‌های اسلامی برداشت.

با توجه به هدف پژوهش، پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته است و به اجمال پس از بازبینی منابع و تطبیق مؤلفه‌های حاصل با آیات قرآن کریم و احادیث مربوطه، مؤلفه‌های تربیت شهروندی از دیدگاه قرآن کریم و اهل‌بیت علیهم‌السلام توصیف و احصاء گردیده است. مؤلفه‌های تربیت شهروندی مطابق با دیدگاه قرآن کریم و اهل‌بیت علیهم‌السلام و در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم‌بندی شده است. حوزه‌ی شناختی دانش و معلومات و توانایی‌ها و مهارت‌های ذهنی را دربرمی‌گیرد که اهداف آن به جریان‌هایی که با فعالیت‌های ذهنی و فکری سر و کار دارند مربوط می‌شوند (سیف، ۱۳۹۲). حوزه‌ی عاطفی شامل اهدافی است که تغییرات حاصل در علاقه‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها و نیز ارج‌شناسی و سازگاری را نشان می‌دهد (بلوم، ۱۳۹۲). حوزه‌ی روانی حرکتی



(رفتاری) عناصری از حوزه‌های شناختی و عاطفی را در خود دارند و قابل تفکیک از همدیگر نیستند، بدان معنا که مهارت و انجام رفتاری، مستلزم درک، شناخت و عاطفه نسبت به آن است (سیف، ۱۳۹۲). حال در این مطالعه بعد شناختی شامل دانایی محوری، برابری، آزادی بیان و اندیشه، تفکر انتقادی، حقوق بشر، شور و مشورت؛ بعد عاطفی شامل احساس تعهد، وطن دوستی، نوع دوستی، مسؤلیت‌پذیری، عزت و اعتماد به نفس و حسن ظن؛ بعد رفتاری شامل اطاعت از قانون، مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، تحمل و سعه صدر، امانت‌داری، احترام و حفظ کرامت انسانی می‌باشد که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است.

### سوالات پژوهش

۱. مؤلفه‌های تربیت شهروندی در بعد شناختی از منظر قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام چه مواردی است؟
  ۲. مؤلفه‌های تربیت شهروندی در بعد عاطفی از منظر قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام چه مواردی است؟
  ۳. مؤلفه‌های تربیت شهروندی در بعد رفتاری از منظر قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام چه مواردی است؟
- مؤلفه‌های تربیت شهروندی به دست آمده از مبانی ارزشی تربیت شهروندی از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام را می‌توان با توجه به مفهوم مدنی جامعه اسلامی، حول چند بعد اساسی به شرح ذیل مورد بحث و بررسی قرار داد. لذا مؤلفه‌های ارزشی که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، صرفاً در راستای مفهوم تربیت شهروندی می‌باشند، هر چند برخی از این محورها می‌توانند در برگیرنده سایر ابعاد تعلیم و تربیت اسلامی نیز باشند.

## یافته‌ها

### ۱. بعد شناختی

مؤلفه‌های تربیت شهروندی مطابق با دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام در بعد شناختی شامل دانایی محوری، احساس برابری، آزادی بیان و اندیشه، تفکر انتقادی، حقوق بشر، شور و مشورت می‌باشد.

### ۱-۱. دانایی محوری

دانایی محوری به عنوان مهم‌ترین مؤلفه متشکله شهروندی، گام اول مشارکت فعال، مسؤلیت‌پذیری و غیره به شمار می‌رود. یکی از گرایش‌های فطری انسان حقیقت‌جویی است و یکی از توانایی‌های انسان قدرت شناخت واقعیات است. شناخت خود و جهان پیرامون یا به عبارت دیگر خودآگاهی و دیگرآگاهی از ویژگی‌های انسان است.

در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام در فضیلت علم و علم‌آموزی سخنانی وجود دارد که در اینجا برخی از آنها را ذکر می‌کنیم: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ﴾ (آل عمران/۱۸)؛ خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و ملائکه و صاحبان دانش نیز شهادت می‌دهند. رسیدن به مرتبه درک توحید پروردگار و شهادت به آن، برای صاحبان علم امکان‌پذیر است و این در فضیلت و ضرورت علم به تنهایی کافی است. چون علم چنین ثمره دل‌پذیری دارد. خداوند فرموده است: ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ (مجادله/۱۱)؛ خداوند کسانی را که ایمان آوردند و آنان را که علم داده شدند بسیار بلندمرتبه می‌فرماید. خداوند در مواضع فراوانی برتری عالم را نمایان ساخته است و در آیاتی به این برتری تصریح نموده است: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (زمر/۹)؛ بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ قرآن به علم‌آموزی تشویق و بلکه امر

می‌کند: ﴿فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل/۴۳)؛ پس اگر نمی‌دانید از آگاهان بپرسید. از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که: خداوند چون برای کسی نیکی بخواهد او را عالمی ژرف‌نگر در دین می‌سازد؛ (فیض کاشانی، ۱۴۲۶ق). همچنین از ایشان نقل شده است: عالم هفتاد درجه از عابد برتر است (همان) و نیز فرموده‌اند: کسی که دوست دارد به آزادشدگان از آتش نگاه کند، باید به دانش آموزان نظر نماید. قسم به کسی که جانم به دست او است، هیچ دانشجویی که در مسیر علم رفت و آمد می‌کند نیست، مگر آن که خداوند برای هر قدمش عبادت یکسال را می‌نویسد و برایش با هر قدمی که برمی‌دارد شهری در بهشت می‌سازد و در حالی که بر زمین گام می‌زند زمین برایش آمرزش می‌طلبد و او در حالی که بخشوده است صبح و شام می‌کند و فرشتگان گواهی می‌دهند که دانش‌طلبان، آزادشدگان خدا از آتشند.

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ﴾  
(آل عمران/۱۸). علم ارزش والایی دارد و رستگاری انسان به آن وابسته است.

## ۱-۲. احساس برابری

اصل مساوات و برابری نخستین پایه نظام اجتماعی اسلام است. ﴿الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾ (نساء/۱). انسان به مثابه بذر و نهال است (نه ماده خام) و نسبت به شکل‌ها و حرکت‌ها و جهت‌ها و عوامل گوناگون یکسان نیست. حرکت او به سمت کمال است و این جوشش و خیزش، ریشه در فطرت او دارد و این خصلت به طور همگانی در عموم انسان‌ها دیده می‌شود. ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ (انشقاق/۹)، ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ (ص/۷۲). انسان‌ها شخصیت و وجدان فطری را قبل از آن که شخصیت و وجدان اکتسابی را به دست آورند از پیش داشته‌اند و همه انسان‌ها در این خصیصه مشترکند. تفاوت بینش‌ها و اختلاف عقیده‌ها، گرچه در

میان انسان‌ها فاصله انداخته است و از این رهگذر گروه‌بندی‌های زیادی دامن‌گیر انسان گشته است، ولی این گونه فاصله‌ها، حتی مرز حق و باطل نیز هرگز انسان‌ها را از طبیعت همگون انسانی خارج نساخته است. «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا» (یونس/۱۹)؛ هیچ گونه تفاوتی جز تقوی نمی‌تواند معیار تبعیض و نابرابری تلقی گردد و نابرابری و تمایز براساس تقوا نیز معیاری در تقسیم وظایف و وسیله‌ای برای نیل به اهداف عالی‌ه انسانی است، نه عامل تبعیض در برابر قانون. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ ان رُبِّكُمْ وَاحِدٌ وَ انْ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كَلِّمُوا لَادِمٌ وَ آدَمٌ مِنْ تَرَابِ انْ أَكْرَمِكُمْ عِنْدَ اللّهِ أَتَقِيكُمْ وَ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَيَّ عِجْمِي وَ لاَ لِأَحْمَرٍ عَلَيَّ أَيْبُضٌ وَ لاَ لِأَبْيَضٍ عَلَيَّ أَحْمَرٌ فَضَّلَ الْإِنْسَانُ بِالْتَّقْوَى» (ابن شعبه، ۱۳۸۴). همچنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «أصل المرء دينه و حسب خلقه كرمه تقواه و أن الناس من آدم شرع سواء» (قمی، ۱۳۹۲).

### ۳-۱. آزادی بیان و اندیشه

آزادی بیان و اظهار عقیده از مهم‌ترین مظاهر آزادی انسانی است. امام صادق علیه السلام محیطی را که در آن، آزادی بیان عقیده باشد، تبلور زندگی خوب و انسانی می‌شمارد. اسماعیل بصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا شما می‌توانید در مکانی گرد آید و با یکدیگر به گفتگو پردازید و آنچه را که می‌خواهید اظهار دارید و از هر کس انتقاد کنید (بیزاری جوید) و به هر کس می‌خواهید ابراز دوستی و محبت کنید؟ گفتم: آری. فرمود: آیا زندگی و لذت مفهومی جز این دارد؟» (ادیب، ۱۳۸۹). آیات متعدد قرآن و احادیث فراوان از ائمه معصوم علیهم السلام نشان‌گر عظمت و اهمیت این فریضه مهم دینی است بندگان مرا بشارت ده، همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها تبعیت می‌کنند. آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده، و آنان خردمندان هستند (زمر/۱۸). این آیه مردم را به شنیدن سخنان و متابعت بهترین آنها دعوت می‌کند؛ چرا که انسان برای کشف حقیقت نیازمند استماع اقوال و سپس اتباع احسن آنهاست و تمییز

حق از باطل در ظل تقابل آراء گوناگون حاصل می‌شود. در واقع آیه از فرصت گفتگو و تبادل افکار و امکان طرح نظریات موافق و مخالف خبر می‌دهد، زیرا در صورتی متابعت احسن میسر خواهد بود که چندین راه و کلام وجود داشته باشد و استماع همه آنها ممکن باشد و این ممکن نیست. ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل/۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه خدایت دعوت کن و با آنها به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن. این آیه هم در مقام بیان شیوه تبلیغ و دعوت مردم به دین خدا است و در آن، روش تبلیغ صحیح را روش حکمت و موعظه حسنه معرفی می‌کند.

#### ۱-۴. تفکر انتقادی

در آموزه‌های دینی، واژه‌های نصیحت، تذکر، موعظه، استماع قول، اتباع احسن، توأسی به حق، دعوت به خیر، و امر به معروف و نهی از منکر، هر یک به گونه‌ای، اهمیت و جایگاه انتقاد و انتقادپذیری را بیان می‌کنند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾ (زمر/۱۸-۱۷)؛ پس بندگان مرا که به سخن گوش فرا می‌دهند، آنگاه بهترین آن را پیروی می‌کنند، مژده بده!

﴿وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (ذاریات/۵۵)؛ و پند ده! زیرا که پند در مؤمنان سودمند می‌افتد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ مِنْ أَخُو الْمُؤْمِنِ عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا يَخُونُهُ وَ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَعْشُهُ وَ لَا يَعِدُهُ عِدَّةً فَيُخْلِفُهُ» (کلینی، ۱۴۲۰). مؤمن برادر مؤمن است و به منزله چشم او و راهنمای او است؛ هرگز به او خیانت و ستم نمی‌کند، با او غش و تقلب نمی‌کند و هر وعده‌ای به او دهد، سر برنخواهد تافت. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «وَ سَاعَةٌ لِمُعَاشِرَةِ الْإِخْوَانِ وَ النَّقَاتِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ وَ يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ» (ابن شعبه، ۱۳۸۴)؛ بخشی از

زمان را برای رفت و آمد با برادران دینی و مورد اعتمادی که کاستی‌ها و سستی‌های شما را به شما معرفی می‌کنند و در باطن برای شما اخلاص می‌ورزند، ویژه سازید.

### ۵-۱. حقوق بشر

«مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم و تعاطفهم، مثل الجسد الواحد إذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر و الحمى» (قمی، ۱۳۹۲)؛ اشاره به این نکته دارد که اعضای جامعه با ایمان، در ابراز مهر، دلسوزی و عواطف مانند یک تن هستند، هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر عضوها قرار نخواهند داشت. مفاد این حدیث، موازنه ارزش فرد و جامعه است. در نصوص اسلامی بر ارزش و احترام به انسان، علی‌رغم پیرایه‌ها و طبقه‌بندی‌های عارضی تأکید شده است. «فإنهم صنفان إما أخ لك فی الدین أو نظیر لك فی الخلق» (دشتی، ۱۳۹۳). آفرینش تمامی انسان‌ها یکسان است و از طبیعت برابر برخوردارند: ﴿الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً﴾ (نساء/۱). پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای نفی هرگونه تبعیض ناروا در میان انسان‌ها فرمود: «أيها الناس ان ربكم واحد و ان آبائكم واحد كلکم من آدم و آدم من تراب» (ابن شعبه، ۱۳۸۴). رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بخش عظیمی از حقوق فردی را این چنین مشخص می‌فرمایند: هر کس که مؤمنی را بترساند، با من اعلام جنگ نموده است. ناسزا گفتن و جنگ نمودن با مؤمن کفر است و دست درازی به مال او نافرمانی خداست و احترام مال او مانند احترام خون او است (قمی، ۱۳۹۲).

### ۶-۱. شور و مشورت

در قرآن کریم به پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور می‌دهد در امور، با مسلمانان مشورت کند و آن را از رموز پیروزی و موفقیت آن حضرت می‌داند (آل عمران/۱۵۹). همچنین در هنگام بیان اوصاف برجسته مؤمنان می‌فرماید: آنها کسانی هستند که

دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را بر پای دارند و کارهای شان بین آنان با مشورت انجام می شود (شوری/۳۸). علی علیه السلام فرمود: «لا مظاهرة اوثق من المشاركة»؛ هیچ پشتیبانی مطمئن تر از مشورت نیست. همچنین فرمودند: «الاستشارة عين الهداية و قد خاطر من استغنى برأيه»؛ مشورت عین هدایت است و کسی که تنها به فکر خود اکتفا کند خویشتن را به خطر انداخته است (دشتی، ۱۳۹۳). پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس تصمیم به اجرای کاری گیرد و سپس برای آن مشورت کند و انجام دهد به بهترین راه دست یافته است» (قمی، ۱۳۹۲).

## ۲. بعد عاطفی

مؤلفه های تربیت شهروندی مطابق با دیدگاه اهل بیت علیهم السلام در بعد رفتاری به شرح زیر است: احساس تعهد، وطن دوستی، نوع دوستی، مسؤولیت پذیری، عزت و اعتماد به نفس و حسن ظن.

### ۲-۱. احساس تعهد

در آیات متعددی از قرآن کریم، وفای به عهد مورد تأکید قرار گرفته است. ای ایمان آورندگان! به قراردادهای خود وفا کنید (مائده/۱۰). آنان امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند (مؤمنون/۸). به عهد (خود) وفا کنید، که (در روز قیامت) از عهد، سؤال می شود (اسراء/۳۴). حضرت علی علیه السلام فرمودند: همانا عهدها و پیمانها، گردن بندهایی در گردن ها هستند تا روز قیامت. کسی که پیوند آنها را نگه دارد (و وفای به عهد کند) خداوند او را به مقصود می رساند، و کسی که آن عهدها را بشکند، خداوند او را به خودش وامی گذارد (ری شهری، ۱۴۱۶ق). همچنین فرموده اند: هرگاه مردم، پیمان شکنی کنند، خداوند دشمنان را بر آنان مسلط کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آنکه وفا ندارد، دین ندارد (مجلسی، ۱۴۰۴ق).

## ۲-۲. وطن دوستی

در قرآن کریم آیاتی علاقه به وطن را کاملاً تأیید می‌کند. هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون هم را نریزید و یکدیگر را از سرزمین خود، بیرون نکنید، پس شما اقرار کردید (و بر این پیمان) گواه بودید (بقره/۸۴). خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد، تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد، ظالم و ستمگر است (ممتحنه/۸۹). امام علی علیه السلام یکی از خصلت‌های ارزش و کرامت انسانی را در این می‌داند که انسان نسبت به وطنش مهربان و علاقه‌مند باشد. همچنین در روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حب الوطن من الایمان» (قمی، ۱۳۹۳)؛ دوست داشتن وطن از نشانه‌های ایمان است.

## ۲-۳. نوع دوستی

انسان موجودی است اجتماعی که عشق و علاقه به زندگی توأم با رفاقت و دوستی و انس با دیگران یکی از ضرورت‌های سازمان وجودی او است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: کسی که دوست پاک ضمیر خود را که برای خدا با وی پیوند دوستی داشته از دست بدهد، مثل این است که شریف‌ترین اعضای بدن خود را از کف داده است و باز می‌فرماید: غریب کسی است که او را دوست نباشد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: دوستان، یک روح‌اند در جسم‌های جدا جدا و گوناگون (آمدی تیمی، ۱۴۰۷ق). احساس نیاز به معاشرت صمیمانه و همدلی و همراهی با دیگران، علاوه بر این که یکی از جلوه‌های زندگی اجتماعی به شمار می‌رود، ندایی است برخاسته از اعماق وجود انسان که او را به ایجاد ارتباط دوستانه و تماس با هم‌نوع فرا می‌خواند.



## ۴-۲. مسؤولیت پذیری

انسان امانت‌دار بزرگ خداست. مسؤولیت او در پیشگاه خدا، خود و جامعه، بار سنگینی است که در آغاز آفرینش، آنگاه که به آسمان و زمین و کوه‌ها عرضه شد، آنان به ضعف و ناتوانی خود اقرار کردند و انسان آن را پذیرفتند. ما امانت خود را بر آسمان‌ها و زمین عرضه داشتیم، پس آنها (بر اثر بی‌لیاقتی) از پذیرش آن امتناع ورزیدند و ترسیدند، لیکن انسان امانت ما را پذیرفت (احزاب/۷۲). برخی مفسران، امانت را در این آیه، معادل تکلیف دانسته‌اند و این گونه بود که انسان، موجودی مسؤول و مکلف شناخته شد. تکلیف و مسؤولیت آدمی گسترده است، یعنی هر انسانی افزون بر آن که در قبال خود مسؤولیت دارد، در برابر دیگران و خدای خود نیز مسؤول است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این زمینه می‌فرماید: همه شما نسبت به زیردستان خود مسؤول هستید. پس والی و امیر، نسبت به رعیت خود مسؤولیت دارد. مرد، سرپرست خانواده است و نسبت به آنها وظیفه دارد. زن، نگهبان خانه شوهر و فرزندان او است و نسبت به آنها مسؤولیت دارد. بنده هم نگهبان اموال مولای خود می‌باشد و در این باره مسؤول است. آگاه باشید که همه شما بندگان هستید و نسبت به رعیت خود مسؤولیت دارید (مجلسی، ۱۴۰۴ق).

## ۵-۲. عزت و اعتماد به نفس

در میان خصلت‌های انسانی و فضیلت‌های اخلاقی، برخی چنان با اهمیت هستند که می‌توان از آنها به صفات سرنوشت‌ساز یاد کرد. خودباوری یا اعتماد به نفس، از شمار این گونه فضایل روحی است. «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ، وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۱۳۸-۱۳۹)؛ این، بیانی است برای عموم مردم و هدایت و اندرزی است برای پرهیزکاران و سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید. «إِنْ أَحْسَنْتُمْ

أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (اسراء/۷)؛ اگر نیکی کنید به خودتان نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید باز به خود بدی کرده‌اید.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی انسان همین بس که ارزش خویش را نداند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: بزرگ‌ترین نادانی، ناآگاهی انسان از شأن و منزلت خویش است (ری شهری، ۱۴۱۶ق). همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: هر کس خود را بلند نگرداند و به اوج رفعت نرساند، کسی او را بلند نخواهد کرد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: کسی که نفس عزیز و شریفی دارد، آن را با پلیدی گناه، خوار نمی‌سازد (آمدی تیمی، ۱۴۰۷ق).

## ۲-۶. حسن ظن

حضرت امام علی علیه السلام: خوش‌بینی از برترین خوی‌ها و بزرگ‌ترین عطیه‌هاست. خوش‌بینی، مایه آسایش دل و سلامت دین است. خوش‌بینی اندوه را می‌کاهد و از افتادن در بند گناه، می‌رهاند. هر که به مردم گمان نیک برد، محبت آنان را به دست آورد. حضرت امام صادق علیه السلام: از خوش‌بینی بهره‌ای برگیر، تا با آن دلت آرام گیرد و کارت پیش رود. برترین پارسایی، خوش‌بینی است (ری شهری، ۱۴۱۶ق). حضرت امام صادق علیه السلام: حسن ظن به خدا آن است که امید از غیر خدا نداشته باشی و نترسی، مگر از گناه خود (کلینی، ۱۴۱۳ق). حضرت امام علی علیه السلام: هر کس بدگمانی بر او چیره شود، جای آشتی با هیچ دوستی باقی نگذارد (آمدی تیمی، ۱۴۰۷ق).

## ۳. بعد رفتاری

مؤلفه‌های تربیت شهروندی مطابق با دیدگاه اهل بیت علیهم السلام در بعد رفتاری به شرح زیر است: اطاعت از قانون، مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، تحمل و سعه صدر، امانت‌داری، احترام و حفظ کرامت انسانی.

### ۱-۳. اطاعت از قانون

در نظام حقوقی اسلام، عدالت پایه و اساس را تشکیل می‌دهد و همه قوانین و مقررات، به ویژه قوانین کیفری، در جهت تحقق عدالت تشریح شده‌اند. از این رو، در اجرای قانون، به ویژه قوانین کیفری، رعایت عدالت جایگاه ویژه‌ای دارد. در قرآن کریم و روایات و سیره عملی رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز برپایی عدالت از جایگاه و منزلت بالایی برخوردار است. خداوند متعال در قرآن کریم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مأمور برپایی عدل و استقامت در این راه معرفی نموده است؛ ﴿فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ﴾ (شوری/۱۵). در آیه‌ای دیگر، خطاب به مؤمنان، آنان را فرمان می‌دهد که گواهان به عدل باشند و حتی در برخورد با دشمنان جانب عدل را رعایت نمایند؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (مائده/۸). رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در طول دوران رسالت‌شان اجرای عدالت را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بودند؛ چنان‌که حضرت علی عَلِيٌّ در توصیف سیره آن حضرت می‌فرماید: «سیرته القصد و سنته الرشد و كلامه الفصل و حُكمه العدل» (دشتی، ۱۳۹۳)؛ راه و رسم او معتدل، روشش صحیح و متین، سخنانش روشن‌گر حق از باطل، و حکمش عادلانه بود. در دین اسلام، اجرای عدالت در جامعه به شدت مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو، اسلام همه افراد جامعه را در برابر قانون برابر می‌داند و هیچ‌گونه تبعیضی را در اجرای قانون بر افراد روا نمی‌شمارد و هرگونه تبعیض در اجرای قانون را، به هر دلیل و عنوانی که باشد، موجب سقوط و هلاکت جامعه می‌داند (سبحانی، ۱۳۷۰).

### ۲-۳. مشارکت سیاسی

فرایندهای مشارکت سیاسی در اسلام بر سه پایه استوار است:

۱. مشورت؛

۲. نصیحت رهبر مسلمانان؛

۳. بیعت.

مشورت یکی از آموزه‌ها و تعالیم دینی است که فرهنگ اسلامی بر آن تأکید ورزیده است و در کتاب و سنت نیز مطالب فراوانی در این ارتباط وجود دارد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...﴾ (آل عمران/۱۵۹)؛ به (برکت) و رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم (و مهربان) شدی، و اگر خشن و سنگدل بودی، هر آینه از اطراف تو پراکنده می‌شدند؛ پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب و در کارها با آنان مشورت کن.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (زمر/۱۸-۱۷)؛ پس بندگان مرا بشارت ده، همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که خدا هدایت‌شان کرده و آنها خردمندانند. عنوان نصیحت رهبر مسلمانان، یکی از عناوین سیاسی اجتماعی اسلام است که در فقه سیاسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و برای آحاد امت اسلامی، حقی به عنوان نصیحت رهبر مسلمانان قائل شده است. همه مردم می‌توانند براساس آن، آراء و نظرات خیرخواهانه خود را نسبت به رهبران جامعه اسلامی مطرح سازند و حتی می‌توانند او را مورد سؤال قرار دهند. این حق مردم نسبت به حاکم اسلامی، یکی از حقوق اساسی افراد در فرهنگ سیاسی اسلام محسوب می‌گردد و یکی از عناوین ریشه‌دار و پرسابقه در فقه سیاسی و متون دینی است. علی علیه السلام در مورد این اصل اساسی چنین می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الشَّفِيقِ الْعَالِمِ الْمُجْرَبِ تُورِثُ الْحَيْرَةَ وَتُعْقِبُ النَّدَامَةَ» (دشتی، ۱۳۹۳)؛ نتیجه نافرمانی نصیحت کننده مهربان که (به هر چیز) دانا و با تجربه می‌باشد

حسرت و اندوه است و در پی آن پشیمانی را به دنبال دارد. با توجه به حاکمیت دینی از سوی خداوند، مشروعیت حکومت دینی بستگی به قبول و یا نفی مردم ندارد. اما مقبولیت حکومت، که از رهگذر رضایت عمومی و مشارکت همگانی در قالب بیعت مردم با رهبر جامعه دینی تحقق می‌یابد، همواره مورد اهتمام پیشوایان دین بوده و در فقه سیاسی اسلام نیز مورد توجه و بحث فراوان قرار گرفته است. امام علی علیه السلام در روز بیعت مردم با ایشان فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ عَنِ مَلَأَ وَ أُذُنُ، اِنَّ هَذَا اَمْرِكُمْ لَيْسَ لِحَدِّ فِىهِ حَقٌّ اِلَّا مِنْ اَمْرَتُمْ...» (ابن اثیر، ۱۴۲۲ق)؛ ای مردم، حاضران و شنوندگان، این امر مربوط به شما است. کسی را جز آن که شما بر گماشتید، در آن حقی نیست.

### ۳-۳. مشارکت اقتصادی

طبق قرآن، عدالت (عدل) باید در همه شئون زندگی انسان و از جمله اقتصاد، رعایت شود (نساء/۵۸؛ انعام/۱۵۲؛ هود/۸۴-۸۷؛ نحل/۷۶؛ شوری/۱۵). از اشخاصی که به نوعی با امور اقتصادی سر و کار دارند، می‌خواهد که منصفانه، صادقانه و با روح تعاون رفتار کنند. جهت ورود آزادانه و عاری از اجبار به قراردادها، باید وصفی منصفانه از کالای مورد معامله به عمل آید و هنگام مبادله اجناس، از استاندارد دقیق مقیاس‌ها و موازین مورد استفاده اطمینان حاصل شود (نحل/۱۵۲؛ اعراف/۸۵؛ هود/۸۴-۸۵؛ یوسف/۵۹). قرآن بارها تأکید کرده که همه اشیاء در جهان، از آن خداست که آفریدگار است و هرگونه مالکیت انسانی، امانی شمرده می‌شود (بقره/۱۵۵ و ۲۴۷؛ اسراء/۶)؛ پس ثروتی هم که به شخص ارزانی شده برکت بوده و از سوی خداوند به امانت نهاده شده است (انفال/۲۸؛ نور/۳۳)؛ اما با وجود این که تمام اشیاء از آن خداوند است، قرآن از افراد می‌خواهد که در سهم بردن از این ثروت بکوشند؛ توجه داشته باشند که کوششی فعالیت سودمند تلقی می‌شود که قواعد و رهنمودهای مقرر قرآنی در آن رعایت شده باشد. در این صورت خواهد بود که ماحصل مالکیت خصوصی

هم یک حق شمرده شده، باید مورد حمایت قرار گیرد (بقره/۱۸۸). با وجود این، در برابر تمام این‌ها، جامعه هم حقوقی چند بر مال شخص دارد؛ چه، مالکیت خصوصی نامحدود، تعهدات اجتماعی را زایل می‌کند و از نظر قرآن باید در اکتساب ثروت بین منافع و حقوق شخص و نیازهای جامعه که کنار هم حرکت می‌کنند، تعادل برقرار باشد. این امر از ویژگی‌های اساسی یک چشم‌انداز سالم اقتصادی از نظر قرآن است.

### ۳-۴. تحمل و سعه صدر

لفظ صبر و مشتقات آن، به کرات در قرآن آمده است؛ برای نمونه (بقره/۱۵۳-۱۵۵؛ آل عمران/۱۴۲ و ۲۰۰؛ انفال/۴۶؛ انبیاء/۸۵؛ قصص/۸۰؛ نحل/۱۲۶؛ سجده/۲۴؛ اعراف/۱۲). چهار برنامه برای رستگاری مؤمنان مطرح است که رأس این برنامه‌ها، دستور به صبر است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در مواجهه با مشکلات) صبر کنید و در برابر دشمنان نیز پایداری و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید؛ شاید رستگار شوید. همچنین می‌فرماید: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/۵۵)؛ البته شما را به اندکی ترس و گرسنگی و بینوایی و بیماری و نقصان در محصول می‌آزماییم و شکیبایان را بشارت ده. کمبودها، نواقص و مشکلاتی که در طول زندگی برای ما پیش می‌آید، همه برای آزمایش و امتحان ماست. در روایات فراوانی از رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام صحبت از صبر و شکیبایی به میان آمده و با دقت و توجه به این احادیث درمی‌یابیم که صبر دارای درجاتی است که در این جا، چند نمونه از آن را ذکر خواهیم کرد. امام صادق علیهما السلام در روایتی، اهل صبر را به دو گروه تقسیم می‌نماید. گروه نخست از اهل صبر، کسانی‌اند که از بلا و مصائبی که دامن‌گیرشان می‌شود، کراهت

داشته و دلخور می‌گردند، اما قرار از کف نداده و زبان به شکوه و شکایت نزد هر کس نمی‌گشایند. حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ، این گروه را عوام می‌نامد و پاداش صبرشان را بشارت‌های الهی می‌شمارد. گروه دوم کسانی‌اند که نه تنها از مصیبت و بلاهای نازله، کراهتی نداشته و خم به ابرو نمی‌آورند، بلکه با کمال میل و روی گشاده به استقبالشان رفته و آن را نشانه لطف الهی به خود می‌دانند. حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، این گروه را خواص نامیده و پاداش صبرشان را همراهی حضرت حق با آنها می‌شمارد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: اگر بتوانی که صبری همراه با یقین و باور داشته باشی، چنین کن و اگر توان آن نداری (باز هم) صبر کن، زیرا در صبر کردن بر اموری که ناخوشایند تو است، خیر بسیاری وجود دارد؛ و بدان که نصرت و پیروزی، همراه با صبر است و گشایش، همراه با مشقت و سختی است. همانا با سختی، آسانی و گشایشی هست (کلینی، ۱۴۱۳ق).

### ۵-۳. امانت‌داری

از جمله صفات برجسته هر انسان جوینده تعالی و کمال، امانت‌داری است. این صفت یک صفت انسانی است و جزو نخستین مصادیق حقوق اجتماعی است. این خصیصه، پیش از اسلام نیز مورد احترام بوده است. همین موضوع بیان‌گر این است که امانت‌داری ملائم با طبع و سرشت آدمی است؛ همان‌گونه که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز بدان متصف بوده‌اند. امانت‌داری جزو مواردی است که اسلام نیز آن را مورد امضاء و سفارش خود قرار داده است. خداوند متعال درباره ضرورت امانت‌داری می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...﴾ (نساء/۵۸). خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن برسانید. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ آن را نشانه شیعه می‌داند و می‌فرماید: «شیعنا اهل الوفاء و الامانة» شیعیان ما اهل وفای به عهد و امانت‌داری هستند. امانت در لسان آیات و روایات منحصر در امانت‌های مالی نیست، بلکه محدوده وسیع‌تری دارد. امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ در روایتی کسی که در امانت خیانت ورزد را از جرگه شیعیان خارج می‌داند: «لیس

منا من مؤمننا؛ کسی که به مؤمنی خیانت ورزد از ما نیست. خیانت در امانت روشن‌ترین مصداق خیانت است؛ خواه این خیانت در امانات الهی صورت گیرد، خواه در امانات مردم. بزرگ‌ترین امانت، امانت الهی است که انسان موظف به حفظ آن است. امیرالمؤمنین علیه السلام هرگاه به نماز می‌ایستاد رنگ مبارکش تغییر می‌نمود. وقتی از ایشان می‌پرسیدند: «شما را چه شده است؟». می‌فرمود: هنگام ادا کردن امانت الهی است؛ همان امانتی که خدا بر آسمان‌ها و زمین عرضه کرد، ولی آنان از پذیرش آن عاجز ماندند (مجلسی، ۱۴۰۴ق).

### ۳-۶. احترام و حفظ کرامت انسانی

در قرآن کریم دو گونه کرامت برای انسان تعبیر شده است.

الف - کرامت ذاتی: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسراء/۷۰)؛

ب - کرامت ارزشی یا اکتسابی: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ﴾ (حجرات/۱۳).

کرامت ذاتی کرامتی اعطایی از جانب خداوند سبحان برای همه آدمیان است، یعنی در این نوع از کرامت، همه انسان‌ها برابرند و در آن نسبت به یکدیگر امتیاز ندارند و از این حیث در حقوق عمومی و اجتماعی با هم برابرند. این کرامت برای همه انسان‌ها وجود دارد و مادام که آن را با اراده خود از طریق ارتکاب جنایت و خیانت بر خویشان و دیگران از خود سلب نکند شایسته تکریم است. براساس دلالت صریح آیه مزبور، خداوند انسان را ذاتاً مورد تکریم قرار داده است و همه انسان‌ها باید این کرامت را برای همدیگر به رسمیت بشناسند و خود را در برابر آن مکلف ببینند. به تعبیری، اسلام مردمان را برادر و همکار در راه حق و حقیقت می‌خواهد، نه این که گروهی را بندگان گروهی دیگر و برخی را حاکم بر دیگران قرار دهد و هیچ کس را در نژاد بر دیگری امتیازی نیست (زحیلی، ۱۴۲۰ق). پس در کرامت ذاتی، خداوند انسان را به گونه‌ای آفرید که در مقایسه با دیگر موجودات از لحاظ ساختمان وجودی از امکانات و مواهبی



برخوردار است که حاکی از عنایت ویژه خداوند به نوع انسان است و همه انسان‌ها از هر رنگ و نژاد و جنس از آن بهره‌مندند و خداوند بعد از آفرینش انسان چنین فرمود: ﴿أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ (مؤمنون/۱۴). آیات متعدد دیگری نیز بر کرامت ذاتی انسان دلالت دارند که به اجمال به آنها اشاره می‌شود. انسان تنها موجود شایسته شناخت اسماء حسناى الهی است؛ ﴿وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره/۳۱). انسان از نگاه قرآن کریم وجودی جامع دارد، که او را شایسته مقام خلافت کرده است. ﴿وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...﴾ (بقره/۳۰). هر چند آیه ۱۳ سوره حجرات بر کرامت عندالله تأکید دارد، اما بخش اول همین آیه شریفه تأکید بر برابری انسان‌ها با وجود اختلاف در جنس و نژاد دارد؛ ﴿إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ (حجرات/۱۳). هرگونه امتیازی را در زندگی اجتماعی لغو می‌کند، اما تقوا را ملاک برتری قرار می‌دهد و هشدار می‌دهد که این ملاک امتیاز عندالله است. به یقین انسان‌ها در کرامت اکتسابی (عندالله) یکسان و برابر نخواهند بود؛ چرا که این عرصه‌ای است که باید مجاهدت نمود و به اختیار خود به کمالات اختیاری دست یافت. به تعبیری اگر متفکری یا مکتبی ادعا کند که همه انسان‌ها در برخورداری از حق کرامت و شرف انسانی یکسانند و هیچ تفاوتی با دیگری ندارد، قطعاً سخنی نامفهوم می‌گوید. آیا معقول است که علی بن ابی طالب ع با ابن ملجم هواپرست و جنایتکار بزرگ تاریخ، بدون تفاوت، از حق کرامت و شرف انسانی برخوردار باشند (جعفری، ۱۳۸۷). نکته دیگر این که راز کرامت انسان در این آیه شریفه به صراحت بیان نشده است، اما ادامه آیه، ﴿وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾، بیان‌گر راز کرامت انسان است؛ چرا که منشأ استیلای بشر بر امکانات موجود در جهان همان عقل و اندیشه او است. انسان به پشتوانه این توانایی است

که بر مواهب طبیعی سلطه می‌یابد و حقایق اشیاء را درک می‌کند (زحیلی، ۱۴۲۰ق). به تعبیری برترین چیزی که مورد تکریم قرار گرفت عقل است که با آن معرفت خداوند سبحان به دست می‌آید و انسان کلام الهی را درک می‌کند و از نعمت‌هایش بهره‌مند می‌گردد (ثعالبی، ۱۴۱۸ق). به تعبیر دیگر، سر تکریم آدمی به عقل است، که به هیچ موجود دیگری داده نشده است (طباطبایی، ۱۳۶۳).

### نتیجه‌گیری

آنچه در مقاله حاضر بیان شد، شمه‌ای از تعالیم گهربار اسلام در باب مؤلفه‌های تربیت شهروندی می‌باشد. در این مقاله مؤلفه‌های تربیت شهروندی از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری به شرح ذیل بوده است. بعد شناختی تربیت شهروندی شامل دانایی محوری، برابری، آزادی بیان و اندیشه، تفکر انتقادی، حقوق بشر، شور و مشورت؛ بعد عاطفی شامل احساس تعهد، وطن دوستی، نوع دوستی، مسؤولیت‌پذیری، عزت و اعتماد به نفس و حسن ظن؛ بعد رفتاری شامل اطاعت از قانون، مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، تحمل و سعه صدر، امانت‌داری، احترام و حفظ کرامت انسانی است. در واقع تربیت و پرورش شهروندانی شایسته و کارآمد امری مقطعی، ایستا و ساکن نیست، بلکه فرایندی پویا، متغیر و دینامیک است. در جمع‌بندی و استنتاج کلی نتیجه این مطالعه می‌توان گفت تربیت شهروندی یک مفهوم چندبعدی، متشکل از مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی، و فرایند یادگیری مستمر است که هدف آن ایجاد مشارکت فعالانه، خردمندانه، مسئولانه، مبتکرانه و همگانی افراد در زندگی انسانی است. با توجه به آنچه گفته شد، شهروند کسی است، که نه تنها در مجتمعی زیستی زندگی کند و مجموعه‌ای از قوانین فعالیت‌های وی و رابطه او با سایر شهروندان، مدیران جامعه، و کالبد جامعه را تنظیم کند، بلکه در مقام مالک (شریک با سایر شهروندان) و تصمیم‌گیر و مؤثر

در اداره و حیات جامعه ایفای نقش کند. یکی از روش‌هایی که از نظر اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند در توسعه تربیت شهروندی مؤثر باشد، ایجاد احساس توطن و تعلق تمام ساکنان یک جامعه به یک مکان یا مسلمانان به یکدیگر است. مفاهیمی همچون کرامت، اخوت، حریت، مشارکت، و حق و تکلیف مواردی هستند که به زعم تأکید اهل بیت علیهم‌السلام در جوامع کنونی به لحاظ پررنگ شدن مسائل مادی، بی‌رنگ شده‌اند. با توجه به تحقیقات پریور (۲۰۰۶)، سیرز و وون (۲۰۰۵)، پورتا و همکارانش (۲۰۰۱)، مهر محمدی (۱۳۹۱)، قلتاش و همکاران (۱۳۹۱)، عیوضی و همکاران (۱۳۸۷)، ولی‌پور (۱۳۸۶)، آشتیانی و همکاران (۱۳۸۵) که مؤید تلاش محققان در زمینه تربیت شهروندی است، این خلأ آشکار می‌شود که تلاش‌های صورت گرفته در حیطه تربیت شهروندی به آموزه‌های اسلامی توجه نداشته و فقط در برخی از تحقیقات، بررسی‌هایی به صورت اجمالی بر روی مبانی تربیت شهروندی انجام شده است. اهل بیت علیهم‌السلام با تأکید بر اصولی همچون جهان‌وطنی، عدالت اجتماعی، آزادی و حقوق انسان‌ها سعی در نزدیک کردن افراد و شهروندان به یکدیگر و ایجاد احساس توطن تمام انسان‌ها دارد؛ زیرا اهل بیت در جایگاه مدیر جامعه‌ای که خود یکی از شهروندان آن است، وظیفه اجرای عدالت و قوانین را به عهده دارد. ویژگی مهم جامعه شهروندمدار، که اهل بیت علیهم‌السلام به آن تأکید دارد، احترام قلبی به قانون و قانون‌گرایی، عدالت و برابری افراد جامعه نسبت به یکدیگر و قانون، تقسیم کار، وجود کارگزاران لایق و دانشمند، و امکان انتقاد، بیان اشکالات و تذکر آنها به افراد است. دین مبین اسلام کامل‌ترین برنامه را برای زندگی و سعادت بشر عرصه کرده است و ضروری بود که با مطالعه منابع غنی دینی و اسلامی ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروندی از منظر قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام توصیف و احصاء گردد. انتظار می‌رود با مطالعه بیشتر و انجام پژوهش‌های دیگر بتوان موارد ارزش‌مند دیگری را در زمینه تربیت شهروندی ارائه نمود، لذا پیشنهاد می‌گردد

در زمینه مؤلفه‌های تربیت شهروندی، تحقیقات جامع‌تر، که بتواند تمامی اصول، مبانی و ابعاد تربیت شهروندی را دربرگیرد، ارائه گردد و نظام‌های آموزشی کشور، همچون آموزش و پرورش و آموزش عالی، به تهیه و تدوین منشور حقوق شهروندی براساس آموزه‌های اسلامی اهتمام ورزند و به صورت یک واحد درسی رسمی در نظام آموزشی کشور ایجاد گردد.

### پی‌نوشت‌ها

1. citizenship Education
2. Johnson & Morris
3. Giroux
4. Tobias
5. Forbes
6. Combs
7. Parker
8. McDonald
9. Minkler
10. Tomas SD
11. Liu
12. Faulks
13. Summers
14. Lawton& Cairns & Gardner
15. Sears & Vonne

### منابع و مأخذ

#### • قرآن کریم.

۱. آشتیانی، ملیحه و همکاران (۱۳۸۵)، «لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی برای تدریس در دوره دبستان»؛ فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷.
۲. آمدی تیمی، عبدالواحد (۱۴۰۷ق)، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۴)، تحف العقول عن آل الرسة ول ﷺ، تهران، المکتبة المرتضویة.
۴. ادیب، عادل (۱۳۸۹)، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. ایزدی، صمد و علی آقا محمدی (۱۳۸۶)، «آموزش شهروندی، حقوق انسانی و

- مسؤولیت اجتماعی در نظام آموزشی»، مقاله‌های برگزیده همایش حقوق شهروندی.
۶. باقری، خسرو (۱۳۷۹)، «امکان و فرایند تربیت مدنی در ایران»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال پنجم، شماره ۱.
۷. بلوم، بنجامین اس (۱۳۹۲)، طبقه‌بندی هدف‌های پرورشی: کتاب اول حوزه شناختی، ترجمه علی اکبر سیف و خدیجه علی‌آبادی، تهران، انتشارات دیدار.
۸. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۹. جعفری، محمد تقی (۱۳۸۷)، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری علیه السلام.
۱۰. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۹۹۱م)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۱. دشتی، محمد (۱۳۹۳)، ترجمه نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین علیه السلام، قم، انتشارات یوحنا.
۱۲. زحیلی، وهبه (۱۴۲۰ق)، القیم الانسانیه فی القرآن الکریم، دمشق، دار المکتبی، چاپ اول.
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۳۷۰)، مبانی حکومت اسلامی، قم، انتشارات توحید.
۱۴. سیف، علی اکبر (۱۳۹۲)، روان‌شناسی پرورشی نوین، تهران، انتشارات دوران.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
۱۶. عیوضی، مریم و همکاران (۱۳۸۷)، «تبیین رؤوس محتوای برنامه درسی تربیت شهروندی بومی در عصر جهانی شدن از دید اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های شهر تهران»، همایش جهانی شدن و بومی ماندن برنامه درسی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها.
۱۷. علم‌الهدی، جمیله (۱۳۷۹)، «چشم‌اندازی به تربیت مدنی از دیدگاه اسلام»، مجموعه مقالات تربیت اسلامی، تهران، انتشارات عابد.
۱۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۲۶)، المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، مؤسسه محبین.
۱۹. فتحی واجارگا، کوروش (۱۳۸۸)، آموزش شهروندی در مدارس، تهران، انتشارات آبیژ.
۲۰. قلتاش، عباس (۱۳۸۸)، «نقد و بررسی رویکردهای تربیت شهروندی در برنامه درسی دوره ابتدایی ایران به منظور ارائه طرح برنامه درسی تربیت شهروندی»، پایان‌نامه دوره دکترا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان.
۲۱. قلتاش، عباس و دیگران (۱۳۹۱)، «میزان توجه به رویکرد تربیت شهروندی پیشرفت‌گرا در کتب درسی علوم اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی ایران»، مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، شماره ۳۳.

۲۲. قلتاش، عباس؛ یارمحمدیان، محمد حسین؛ فروغی ابری، احمد علی؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم (۱۳۸۹)، «نقد و بررسی رویکرد پیشرفت‌گرای تربیت شهروندی در برنامه‌دستی دوره ابتدایی ایران» مجله علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ششم، شماره ۶۲-۳۷.

۲۳. قمی، عباس (۱۳۹۲)، ترجمه سفینه البحار، ترجمه هادی صلواتی، تهران، انتشارات نوید اسلام.

۲۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه دارالوفاء.

۲۵. مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۱)، «بررسی ساز و کاری مدعای نظریه‌های رقیب برنامه‌دستی برای تربیت شهروند دموکراتیک با تکیه بر روایتی شوآیی»، مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، شماره ۳۴.

۲۶. ----- (۱۳۸۸)، برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی.

۲۷. ولی‌پور، رقیه (۱۳۸۶)، «بررسی حیطه‌های تربیت شهروندی در نظام آموزش عالی از دید اساتید و دانشجویان مطالعه موردی دانشگاه مازندران»، همایش جهانی شدن و بومی ماندن برنامه درسی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران.

۲۸. یارمحمدیان، محمد حسین؛ فروغی ابری، احمد علی؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم، قلتاش، عباس (۱۳۸۷)، «نقد و بررسی عناصر برنامه درسی در رویکرد پیشرفت‌گرا و محافظه‌کار تربیت شهروندی»، فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۱۸ و ۱۷.

1. Combs, Carolyn (2001). *A Conceptual Framework Toward a Democratic Citizenship Curriculum*, and Its Implication for Education Drama. Unpublished Master of Education Thesis. University of Monitoba.
2. Dee Thomas S. (2004). «Are there Civic Return to Education?» *International Journal Educational Research*. Vol.88, No.9-10
3. Faulks, Keith (2000). *Citizenship*. New York: published by Routledge.
4. Forbes , Janine(2007). civics and citizenship in action a school story: Felemington Primary school. [www.aec.gov.au](http://www.aec.gov.au)
5. Giroux, H. (1983). *Theory and Resistance in Education: A Pedagogy for the Politics of the Opposition*. New York: Bergin and Garvey.
6. Hubert, Jaqueline (2000). The Role of the Hidden Curriculum. Research2.csci.educ.Ubc.ca/soc100/conceptmap/terms/hidden-curriculum, ph p-15 k
7. Johnson, Laura & Paul Morris (2010). «Toward a Framework for Critical Citizenship Education». *Curriculum Journal*, Vol.121. Issue 1. P.7796.
8. Liu, Meihui (2001). «The Development of Civic Values: Case Study of Taiwan». *International Journal of Educational Research* . Vol.35, No.
9. Lawton, Denis; Jo Cairns & Roy Gardner (2000). *Education for Citizenship*.

London and New York. CONIINUM

10. McDonald, David G. (1999). *Implementation of Programs of Deliberation and Civic Education to Counter Erosional Effects of Civic Apathy Upon Liberal-Democratic Polities*. Unpublished Master of Thesis. University of Western Ontario.
11. Minkler, John (1998). Active Citizenship. Empowering America's Youth. In [www.frenso.edu/sps/minkler/index.html](http://www.frenso.edu/sps/minkler/index.html).
12. Parker, Gavin (2000). *Citizenship, Contingency and Countryside. Rights, Culture, Land and the Environment*. London and New York: Routledge.
13. Prior, Warren (2006). «Civice and Citizenship Education». In: [www.curriculum.edu.au/cce/](http://www.curriculum.edu.au/cce/)
14. Shahtalebi, B., Sharifi, S., & Gholizadeh, A. (2011). *Determining the content and effectiveness of citizenship education at school*. Isfahan: Leisure and Cultural Organization Municipality and Planning Department. (in Persian).
15. Summers, Jacqueline Y. (2002). *A proposal Model for Anchorage Adult Civic Education*. Unpublished Master of Education Thesis.
16. Sears, Alan & Y. Vonne (2005). «Citizenship Education. Canadian Education Association». In: [www.cea.ca/media/en/citizenship=education](http://www.cea.ca/media/en/citizenship=education).
17. Tobias, R (1997), *The boundaries of education for active citizenship: institutional and community context, SECUTER AOTEARO*, New Zealand.